



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بحثمان در تنبیه دوم در این است که معاطات به چه عامل و سببی محقق می شود؟ عرض کردیم چهار صورت برای محقق معاطات تصور شده که عبارتند از؛ اول اینکه تعاطی مالین من الطرفین باشد که در واقع طرفین با اعطاء خودشان انشاء فعلی می کنند یعنی هرکدام از آنها با اعطائش تملیک را برای دیگری انشاء می کند .

صورت دوم اینکه اعطاء من طرف واحد باشد ، شکی نداریم که در بیع لفظی اگر اعطاء من طرف واحد باشد صحیح است مثل بیع صرف و سلف و نسبه منتهی بحث ما در این است که آیا در باب معاطات نیز اعطاء من طرف واحد صحیح است یا نه؟ .

صورت سوم اینکه از هیچ طرفی اعطاء وجود ندارد بلکه تنها وصول و ایصال بدون اعطاء وجود دارد یعنی ثمن به بایع و مثنم به مشتری رسیده که دیروز مثالهایی برای این صورت زدیم ( گذاشتن پول در دخل سقا و سبزی فروش و حمامی در غیاب آنها ) .

صورت چهارم اینکه وصول و ایصالی نیز در کار نیست بلکه تنها یک مقاوله و گفتگویی صورت گرفته و به مرحله انشاء نرسیده ، خوب حالا ما می خواهیم ببینیم که معاطات با کدام یک از این چهار صورت محقق می شود؟ .

همانطور که شیخ انصاری نیز فرموده مسلماً معاطات در صورت اول محقق می شود زیرا معاطات از باب مفاعله

است و تعاطی نیز از طرفین صورت گرفته است و در واقع طرفین با اعطاء خودشان انشاء فعلی کرده اند .

دیروز عرض کردیم که مرحوم نائینی در جلد اول منیه الطالب ص ۱۶۵ تا ص ۱۶۷ معاطات را منحصر در همین صورت اول ( اعطاء من الطرفین ) کرده و فرموده بیع فقط تملیک و تملک خالی نیست بلکه تملیک و تملک من جانبین و تبدیل اضافتین می باشد یعنی بایع اضافه خود به مثنم را به اضافه خود به ثمن تبدیل می کند و مشتری نیز اضافه خود به ثمن را به اضافه خود به مثنم تبدیل می کند و لازمه این تبدیل اضافتین اعطاء من الطرفین می باشد به عبارت دیگر باید فعل ما مصداق بیع باشد و مصداق بیع بودن نیز فقط به صورتی است که خدمتتان عرض شد ( اعطاء من الطرفین ) و غیر از آن مصداق بیع نیست و مشمول أدله دال بر صحت بیع نمی شود لذا فقط در صورت اعطاء من الطرفین بیع معاطاتی محقق می شود و دیگر ما هبه و ضمان و اجاره و نکاح و صلح معاطاتی نداریم .

در جواب از کلام مرحوم نائینی عرض می کنیم که چنانچه در اعطاء من الطرفین فعل آنها محتوایش این است که عقد بیع واقع شده در موارد دیگر مثل بیع صرف و سلف و نسبه که اعطاء من طرف واحد می باشد نیز محتوای فعل آنها این است که عقد بیع واقع شده یعنی مصداق بیع در آنجا اعطاء من الطرفین بود و در اینجا نسبه و صرف و سلف می باشد و در تمام معاوضات و معاملات دیگر نیز همینطور است یعنی ما از قرائن و شواهدی که در هر معاوضه ای وجود دارد محتوای فعل را می فهمیم و درک می کنیم که همین محتوای فعل

ایجاب و قبول گاهی جای بادل را می گیرد ولی قوام بیع به ایجاب و قبول نیست بنابراین معنای بیع منحصر در اعطاء من جانب واحد و ایجاب و قبول نمی باشد .

شیخ محمد حسین اصفهانی صورت چهارم یعنی مطلق مقوله و گفتگو بدون وصول و ایصال و اعطاء را اختیار کرده که خوب این هم صحیح نیست زیرا ما در معاطات فقط قصد و گفتگو نیاز نداریم بلکه انشاء لازم داریم که این انشاء یک قراردادی است که مشمول اوفوا بالعقود می شود ، بلکه در بعضی جاها قصد کارایی دارد مثلاً در نماز باید بسم الله سوره ای که بعد از حمد می خوانیم را با قصد بسم الله همان سوره بگوئیم که خوب این در باب عبادات است و بیع در باب معاملات است ، بنابراین مجرد مقوله و گفتگو و قصد در بیع کارایی ندارد بلکه باید به مرحله انشاء برسد تا اینکه بیع منعقد بشود .

بقیه بحث بماند برای فردا ان شاء الله ..

والحمد لله رب العالمین اولاً و آخراً و صلی الله علی

محمد و آله الطاهیرین

خودش انشاء می باشد ، بنابراین ما علاوه بر بیع معاطاتی هبه و اجاره و صلح و حتی نکاح معاطاتی نیز داریم و همانطور که دیروز عرض کردیم حضرت امام (ره) در جلد اول از کتاب بیعشان ص ۲۳۷ و آقای خوئی در ص ۱۶۶ تا ص ۱۶۸ از جلد ۲ مصباح الفقاهه نیز به ترتیبی که عرض شد به کلام مرحوم نائینی اشکال کرده اند .

مرحوم ایروانی در جلد اول حاشیه بر مکاسب ص ۸۳ در مقابل مرحوم نائینی فرموده که معاطات فقط منحصر در آن است که اعطاء من طرف واحد باشد ، مرحوم نائینی بیع را اینطور معنی کرد که : « البیع تبدیل اضافه من جانب فی قبال تبدیل اضافه من جانب آخر » اما مرحوم ایروانی در تعریف بیع فرموده : بیع آن است که یک طرف اعطاء کند (ایجاب) و طرف دیگر تحویل بگیرد (قبول) که اگر بیع لفظی باشد با بیعت و قبلیت محقق می شود ولی اگر لفظ نباشد اعطاء شما ایجاب و أخذ طرف مقابل قبول می باشد و معلوم است که ما دو ایجاب و قبول نمی خواهیم بلکه تنها یک ایجاب و قبول می خواهیم لذا معاطات در بیع فقط در صورتی که من جانب واحد باشد صحیح است و اگر اعطاء من الطرفین باشد صحیح نیست .

جواب مرحوم ایروانی این است که ایشان بیع را درست معنی نکرده اند ، بیع فقط ایجاب و قبول نیست بلکه بیع معاوضه بین مالین می باشد مثلاً من می خواهم کتابم را با خود نویس دیگری معامله کنم شخصی وکیل می شود و می گوید بادل هذا بهذا خوب در این صورت معامله صورت میگرد و نیازی به ایجاب و قبول هم ندارد ، بلکه